

بسم الله الرحمن الرحيم

تمام کسانی که پیرامون قیام حضرت سید الشهداء علیه السلام واقع- بینانه اظهار نظر کرده اند، تصدیق دارند که این قیام و نهضت و فداکاری و معامله با خدا نه فقط خسارت و

• نوشته حاضر مقاله ای است که توسط نویسنده در سمیناری که در لندن در تاریخ ششم تا هشتم شوال ۱۴۰۴ به مناسبت چهاردهمین قرن ولادت امام حسین علیه السلام از طرف الادارة المحمدية الخيرية (که یکی از مؤسسات اسلامی در لندن است) برگزار شده بود و دانشمندی از چند کشور اسلامی و غیر اسلامی حضور داشتند، قرائت شد.

ثمرات قیام امام حسین علیه السلام *

زیان نداشت بلکه سودها و فائده‌ها و ثمرات و نتایج فراوانی در پی داشت. البته بخشی از این ثمرات مربوط به حسین علیه السلام و یارانش بود و بخشی مربوط به امت اسلام و اسلام، و نیز قسمتی از این ثمرات بی فاصله و یا با فاصله کم تحقق یافت و قسمتی با گذشت زمان.

نویسنده این مقاله در صدد است که پیرامون یکی از ثمرات بسیار بسیار مهم این قیام که شاید کمتر مورد توجه و توضیح قرار گرفته باشد با شما سخن گوید، اما لازم می‌بیند که قبلاً به تعدادی از ثمراتی که دیگران بیان کرده و بیشتر در کتب محققین معاصر توضیح داده شده اشاره‌ای داشته باشد:

۱- یکی از بزرگترین نتایج قیام حضرت سیدالشهداء علیه السلام تقریب و ارتفاع درجه آن حضرت و یارانش نزد خداوند متعال است که در حدیث از زبان رسول خدا صلی الله علیه وآله خطاب به امام حسین (ع) چنین وارد شده است: **انَّ لَكَ فِي الْجَنَانِ لِدَرَجَاتٍ لَنْ تَنَالَهَا إِلَّا بِالشَّهَادَةِ**. (۱)

۲- از مهمترین نتایج قیام این انسان کامل، نجات اسلام و مسلمین از چنگال بنی امیه بود. خطراتی که از ناحیه بنی امیه و بخصوص یزید، اسلام را صریحاً تهدید می‌کرد برکسی پوشیده نیست و حضرت امام حسین علیه السلام هم با جمله

هر کس با تاریخ انقلاب اسلامی ایران کمترین آشنائی داشته باشد، می‌داند که این انقلاب از محرم و با نام حسین (ع) آغاز شد.

معروف خود: «وعلی الاسلام السلام اذ بلیت الامة براع مثل یزید». (۲)
همین حقیقت را بازگو کرد. این خطرات با نهضت مقدس حسین علیه السلام دفع شد و اسلام از این خطر بزرگ نجات یافت.

۱- محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۱، بحار الانوار، ج ۴۴ ص ۸

۲- علی بن طاووس، متوفای ۶۶۴، لهوف، ص ۲۰.

۳- یکی دیگر از ثمرات این نهضت الهی بیدار شدن شعور دینی مسلمانان بود.

در اثر تبلیغات معاویه و همدستانش و ممنوع بودن تبلیغات صحیح و خانه نشین شدن شایستگان و دانشوران دینی، نیروی معنوی مردم تضعیف شده و افکار انحطاط یافت به طوری که اکثریت مردم در برابر وضع موجود، خود باخته و سست بودند و هر چه بر آنها تحمیل می شد می پذیرفتند، هر که را می خواستند بر آنها حاکم می ساختند و هر که را می خواستند از کار برکنار می کردند و کسی از بیعت آنان سر نمی تافت. شهادت این شهید، سید شهیدان، شعور دینی مردم را بیدار کرد و این درس را از امام حسین آموختند که می توان با زورمداران مبارزه کرد و اینطور نیست که هر کس زد و کشت و گرفت، حاکم واجب اطاعه باشد و از این اشتباه بزرگ که حکومتی مانند حکومت بنی امیه، واجب اطاعه باشد بیرون آمدند، و فهمیدند که نه فقط اطاعت از آنها واجب نیست بلکه، کوشش برای برانداختن

آنان و تأسیس حکومت الهی واجب و لازم است. حدیث زیر که امام حسین علیه السلام از جدش رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده است همین واقعیت را به مسلمانان می آموزد:

من رأی سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله ناکثاً لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله صلی الله علیه و یعمل فی عباد الله بالأثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل ولا قول کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله... (۳).

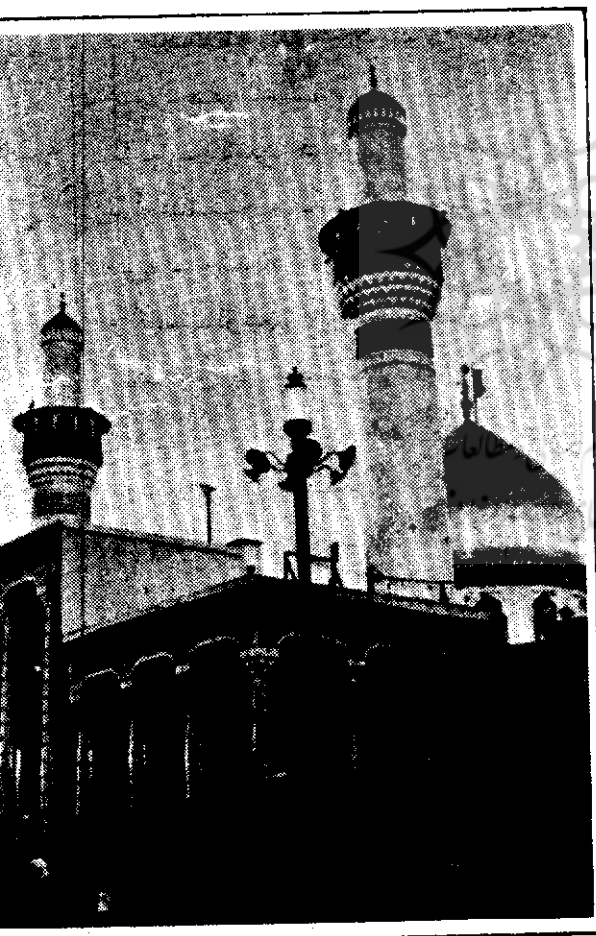
۴- محبوبیت اهل بیت (ع) توسعه دایره و زیاد شدن این محبوبیت شمره دیگر این قیام مقدس بود.

واضح است که محبت و دوستی اهل بیت از مراتب ایمانی و اسلامی هر مسلمان است و کسی نمی تواند ادعای مسلمانی کند و پیامبر اسلام (ص) را دوست داشته باشد، اما دخترش فاطمه (ع) و دو ریحانه اش حسن و حسین (ع) و برادر و پسر عمش علی (ع) را دوست نداشته باشد. اصولاً یکی از خصائص و امتیازات الهی

۳- محدثین جریر طبری، متوفای ۳۱۰،

ج ۴، ص ۳۰۴.

سبب بدنامی و ننگ می شد، کار بنی امیه بجائی رسید که اگر زور سرنیزه برداشته می شد مردم از شدت خشم آنان را قطعه قطعه، و خانه هاشان را بر سرشان خراب می کردند که بالأخره هم چیزی نگذشت و این کار انجام شد و نسل آنان قطع گردیده و برای همیشه در



این خاندان محبتی است که خداوند از آنها در دل‌های مؤمنان قرار داده است. بنا شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش این محبت در دلها زیاد شد و موجب جلب عواطف و جذب احساسات عموم به خاندان نبوت و ولایت گردید و این محبت نسبت به خاندان نبوت و بخصوص نسبت به امام حسین ابدیت یافت و شاید حدیث: «إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَبْرُدُ أَبَدًا» (۴) اشاره به همین حقیقت باشد.

۵ - محکومیت بنی امیه در افکار مسلمین و سایر ملل نیز از نتایج بزرگ این فداکاری ها بود. یکی از مستشرقین می نویسد: بزرگترین غلط سیاسی امویها که اسم و رسم آنان را از صفحه گیتی محو کرد، کشتن حسین بود. کشتن حسین و اسیر کردن خاندان پیامبر (ص) بنی امیه را رسوا کرد و از آن پس همکاری و نزدیک شدن به آنان

۴ - حاجی نوری متوفای ۱۳۲۱، مستدرک الوسائل ۲/۲۱۷.

تاریخ دنیا و افکار ملل محکوم
گشتند. و مصداقی برای آیه شریفه:
«إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» (۵) تحقق یافت.

۶- دیگر از ثمرات نهضت مقدس
سیدالشهداء (ع) که خود فرموده
است: «لَكُمْ فِيَّ اسْوَةٌ» (۶) قیامها و
شورشها و انقلابهایی بود که پس از
داستان کربلا برای برانداختن
حکومت امویها و حکومتهایی مانند آن
در جهان اسلام برپا شد. در این
قیامها عاملی که بیش از هر چیز مردم
را تهییج میکرد شهادت حسین
علیه السلام و دعوت به قیام برای
خونخواهی او و یا دعوت به تاسی و
پیروی از آن حضرت بود.

نام مقدس حسین این انسان
کامل، این شهید راه خدا، این اسوه
و سرمشق برای کسانی که می خواهند
با ظلم و ستم مبارزه کنند، شعاری بود
که همه جا از آن طرفداری می شد و
مردم بدور پرچمی که با این شعار
افراشته می شد جمع می شدند. نمونه
بارز این قیامها در آنروزها انقلاب
توابعین بود که با شعار «یا لثارات
الحسین» قیام کردند و بقدری صدق

نیت و احساسات پاک نشان دادند
که هر کس تاریخ آنها را بخواند تحت
تأثیر ایمان و خلوص آنها واقع
می شود. این پاک مردان با نام
مقدس حسین شورش کردند و بالأخره
در نتیجه همین قیامها بنی امیه را از
صفحه روزگار در سرزمین های
اسلامی (آنهم بعنوان حاکم های
اسلام) محو و نابود کردند. نمونه زنده
دیگری از این قیامها که در جهان امروز
بوقوع پیوسته و آن قدر ملموس و روشن
است که نیاز بتوضیح ندارد، انقلاب
و مبارزه مقدس ملت مسلمان ایران
است که به تاسی و پیروی از امام
حسین علیه السلام انجام شده و هنوز
هم در جریان است و ادامه دارد.

ملت ایران از سیدالشهداء
علیه السلام اشتیاق به شهادت در راه
خدا و پیشرفت اسلام را الهام گرفته،
و حسین علیه السلام را اسوه و سرمشق
خود قرار داده که در راه خدا و اسلام
از همه چیز باید گذشت و آن حضرت
را بعنوان امام معصوم و انسان کامل،
پیشوا و مقتدای خود می دانند و در

۵- قرآن مجید سوره کوثر.

۶- الخطب خوارزم متوفای ۵۶۸، مقتل الخوارزمی

۱ ج ص ۲۳۵.

قال رَسُولُ اللَّهِ (ص):
 «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ
 وَعِترَتِي مَا إِن تَمَسَّكْتُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا
 أَبَدًا...»



که راستی باید بگوئیم داستان کربلا را در خاطره‌ها زنده و تجدید میکنند. ثمره انقلاب اسلامی ایران تا همین مقدار که پیشروی داشته، این است که دست استعمارگران شرق و غرب را از این مملکت کوتاه و اسلام و احکام اسلامی را حاکم بر سرنوشت ملت نموده است، این انقلاب مانع اجرای برنامه و فرهنگ‌های مفسد و مخرب شرقی و غربی که انسانها را به حیوانهائی بصورت انسان مبدل می‌کرد، شده است، امروز جوانان ایران به دین، خدا، اخلاق و تزکیه روح روی آورده‌اند و برخلاف دوران طاغوت، برای ارزشهای الهی انسانی ارزش قائل هستند و در راه رسیدن به کمال انسانیت و شهادت و جانبازی و فداکاری قدم بر میدارند. وضع

حقیقت راهی را که حسین ترسیم کرده است می‌پیمایند. هرکس با تاریخ انقلاب اسلامی ایران کمترین آشنائی داشته باشد می‌داند که این انقلاب از محرم و با نام امام حسین (ع) آغاز شد رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در طول مبارزات، همیشه با استفاده از نام مقدس حسین علیه السلام و داستان جانسوز کربلای او، مردم را آگاهی می‌داد و بیدار می‌کرد، امروز هم شعار قاطبه ملت ایران این است: «نهضت ما حسینی است، رهبر ما خمینی است» یعنی ریشه رهبریهای امام خمینی دامت برکاته را در نهضت مقدس حسینی می‌دانند و با الهام از مکتب حسین (ع) این همه فداکاری و از خود گذشتگی را از خود نشان می‌دهند

کنونی ایران اسلامی با قاطعیت و صراحت گویای این مطلب است که دیگر مسلمانان ایران به هیچ قدرت سلطه گر اجازه نخواهند داد در مقدرات آنها دخالت کند و تصمیم گرفته اند تا آنجا که توانائی دارند در راه پیشبرد اسلام و پیاده کردن احکام نورانی اسلام کوشش کنند و از همه مسلمانان جهان خواستارند که با اتحاد و یک پارچگی و تمسک به قرآن مجید و تعالیم پیامبر و خاندان او و نیز با الهام گیری از مکتب امام حسین (ع) در برابر استعمارگران غرب و شرق و نیز در مقابل اسرائیل دشمن قسم خورده اسلام قیام کنند و دین خود را به اسلام و اولیاء اسلام اداء نمایند. این بود بخشی از ثمرات نهضت مقدس امام حسین علیه السلام که با استفاده و اقتباس از برخی کتابهای بعضی از محققین معاصر به آن اشاره شد.

۷. اما آنچه مورد نظر اینجانب بود و می خواستم بعنوان یکی از ثمرات فوق العاده مهم نهضت مقدس حسینی مطرح و پیرامون آنها توضیحاتی بدهم

نیاز به مقدمه ای کوتاه دارد. هنگامی که بگذشته تاریخ بنگریم می بینیم بیشتر انحرافات از صراط مستقیم انبیاء و بیشتر تحریفاتی که در محتوای شرایع آسمانی رخ داده، انحرافها و تحریف هائی است که پس از درگذشت هر پیامبری توسط دانایان مغرض و یا بی غرضان نادان به وقوع پیوسته است. با در نظر گرفتن این حقیقت تلخ تاریخی، و نیز با در نظر گرفتن اینکه اسلام آخرین دین و پیامبر اسلام آخرین پیامبر است، بسیار طبیعی بنظر می آید که بمنظور حفظ و صیانت محتوای اسلام از هرگونه انحراف و تحریف، برای پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه وآله چاره ای پیش بینی شده باشد، تنها راه برای دفع این خطر این بود که اهل بیت پیامبر که در علم و عصمت همانند اویند در تمام شئون اسلامی یعنی حکومت و سیاست، تفسیر قرآن، بیان معارف و فقه و اخلاق در صحنه بوده و مقتدای مسلمانان باشند و در همه جا و همه موارد مسلمانان با معیار قرار دادن راه و روش و بنیان و

تشخیص آنان، حق را از باطل، اصلی را از بدلی و قلبی، ناقص را از کامل امتیاز دهند. و چون تنها راه این بود، رسول خدا صلی الله علیه وآله به دستور خدای متعال از روزهای اولی که دعوت خود را برای گروهی خاص مطرح کرد همان سالهای اوائل بعثت که آیه «وانذر عشیرتک الاقرین» (۷) نازل شد - مسئله لزوم پیروی از اهل بیت و موضوع امامت را مطرح ساخت و در طول بیست و سه سال دوران رسالت به مناسبتهای گوناگون به پیمان‌های مختلف این اصل اصیل را گوشزد فرمود و حتی در آخرین روزهای حیات با بیانی بسیار صریح فرمود: «انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلّوا ابدًا...» (۸) معنی این حدیث اینست که قرآن به تنهایی کافی نیست، و باید مسلمانانها به قرآن و اهل بیت هر دو تمسک بوده و مراجعه کنند.

این بود خطی که برای بقاء اسلام و مصونیت از تحریف و انحراف، توسط رسول خدا صلی الله علیه وآله تزییم شد و خلاصه اش

اینکه: قرآن و اهل بیت با هم، نه قرآن منهای اهل بیت.

اما در برابر پیامبر و خط او، خط فکری دیگری وجود داشت که در این جمله خلاصه می شد: «صبنا کتاب الله» قرآن منهای اهل بیت کافی است. و چون چنین عقیده را داشتند می کوشیدند ارتباطی را که رسول خدا صلی الله علیه وآله در طول بیست و سه سال بین مردم و اهل بیت برقرار کرده بود از بین ببرند و مردم را از اهل بیت بپزند و برای تأمین این منظور از هر وسیله ای استفاده می کردند و به هر نوع تبلیغی دست می زدند و ظاهراً خیلی حساب شده هم مشغول فعالیت بودند. در آغاز علی علیه السلام برای مدتی طولانی مجبور به انزوا گشته و آنگاه که حکومت بدست او افتاد با فراهم آوردن چنگ‌ها و مزاحمت‌ها و تبلیغات سوء و پدید آوردن جو ناسالم کار را بجائی رساندند که پس از شهادت آن حضرت حتی جنازه او

۷- قرآن مجید سوره شعرا آیه ۲۱۴.

۸- به رساله قوام الدین و شوی که در اثبات استناد این حدیث به رسول خدا نگاهشده و توسط دارالمقرب مصر منتشر شده است. مراجعه شود.

باید مخفیانه بخاک سپرده شود.
معاویه زمینه ای فراهم آورد که
در مساجد و معابد و بر بالای منبرها به
علی علیه السلام ناسزا گفته می شد
نقل احادیثی که پیرامون فضائل و
شخصیت علی و اهل بیت (ع)، از
پیامبر بیادگار مانده بود ممنوع اعلام
شد، و در مقابل، بازار جعل حدیث و

بالآخره امام حسن علیه السلام را هم
از صحنه سیاست و حکومت اسلام
کاملاً منزوی ساختند و نوبت به
حضرت امام حسین علیه السلام که
رسید آنقدر این نقشه های شیطانی و
تبلیغات سوء مؤثر افتاده بود که گویا
عملاً مردم پذیرفته بودند که قرآن
منهای اهل بیت کافی است و نباید

این موضوع یعنی حذف اهل بیت پیامبر و بریدن مسلمانان از
ایشان، برای اسلام و بقای آن و صیانت و حفظ آن از تحریف و
انحراف یک فاجعه بود، فاجعه ای که اگر امام حسین (ع) با
شهادت خود از گسترش آن جلوگیری نمی کرد امروز از اسلام
اصیل محمدی خبری نبود

سراغ اهل بیت بروند، مرحوم علامه
طباطبائی مؤلف تفسیر گرانقدر
«المیزان» می نویسد: امامت
حضرت سیدالشهداء علیه السلام
تقریباً ده سال طول کشید و در همه
این مدت جز چند ماه اخیر، معاصر
معاویه بود و در طول این مدت از آن
حضرت که امام وقت و مبین معارف
واحکام دین بود در تمام فقه اسلامی

تبلیغات به نفع معاویه و همدستان او
رواج پیدا کرد. پس از علی
علیه السلام فرزندش امام حسن (ع)
گرفتار همین نقشه ها و توطئه ها بود هر
روز با تبلیغات سوء مانند اینکه
میگفتند: امام حسن هر روز یک زن
می گیرد و در حقیقت (العیاذ بالله) او
رایک مرد شهوت ران معرفی کرده و
به وجهه اجتماعی او لطمه می زدند و

حتی یک روایت نقل نشده است (منظور روایتی است که مردم از آن حضرت روایت کرده باشند که شاهد مراجعه و اقبال مردم است نه روایتی که از داخل خاندان آن حضرت مانند ائمه بعدی رسیده باشد) از اینجا معلوم میشود که اقبال و مراجعه مردم به اهل بیت پیامبر به حدّ صفر رسیده بوده است.^۹

این موضوع یعنی حذف اهل بیت پیامبر و بریدن مسلمانان از ایشان، برای اسلام و بقاء آن و صیانت و حفظ آن از تحریف و انحراف یک فاجعه بود فاجعه ای که اگر امام حسین علیه السلام با شهادت خود از گسترش آن جلوگیری نمی کرد امروز از اسلام اصیل محمدی خبری نبود.

نهضت مقدس حسین علیه السلام و شهادت آن بزرگوار و یارانش و نیز اسارت خاندان عصمت و طهارت و خطبه های حضرت زینب و حضرت سجاد صلوات الله علیهم این ثمره پر برکت را در پی داشت که مردم به درخانه اهل بیت برگشتند و شعار مرموز «حسینا کتاب الله» تا حدّ بسیار زیادی محکوم شد و مردم برای کسب

علم و آشنائی با معارف اسلام به پیروی از سفارشهای رسول خدا (ص) سراغ اهل بیت رفتند تا جائی که در زمان حضرت صادق علیه السلام حدود چهارهزار نفر از آن حضرت مطالب دینی نقل کردند که در جوامع حدیثی شیعه گردآوری شده است.

آری خطر جدائی مسلمانان از پشتوانه علمی و فکری الهی خود، یعنی جدائی از علی و آل علی، خطری بس جدی بود که با اساس اسلام و سلامت و صیانت محتوای آن بازی می کرد چون اسلام منهای اهل بیت، مغایر با اسلام اصیل محمدی را مطرح میساخت، و حسین با شهادت خود اسلام را از این خطر نجات داد و شاید یکی از معانی حدیث نبوی «حسین منی و انا من حسین» (۱۰) همین نکته باشد.

السلام علی الحسین و علی بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین و السلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

۹- رساله علم امام، از مرحوم علامه طباطبائی.
۱۰- ابن قولویه متوفای ۳۶۷، کامل الزیارات ص ۵۲.